



شکلی از انسان ایرانی

«تندتر از عقربه‌ها حرکت کن» روایت حرکت به سوی یک اتفاق بزرگ است

کتاب علاقه مند شدم؟ چون در این کتاب شکل دیگری از انسان ایرانی دیدم.

انسانی ایرانی که به جای غرزدن کار می‌کند

این نویسنده بیان کرد: انسان ایرانی که به جای غرزدن کار می‌کند. به جای توهم، واقعیت را می‌بیند. به جای این‌که حرف‌های ناامیدانه بزند یا رفتارهای مایوسانه از خودش نشان بدهد، این جمله را می‌گوید: من وقت این کارها را ندارم. پس از خواندن کتاب به دانشگر گفتم این کتاب، کتاب امید، کتاب اکنون و امروز ماست. ما باید این کتاب را هر روز بخوانیم. چون این کتاب سرشار از امید است. اکبری دیزگاه گفت: چون من و جناب دانشگر به نوعی انقلاب اسلامی مسئله‌مان است، یادمان است که در گفت‌وگویی به این مسئله می‌پرداختیم که دیگر صحبت از کالبد انقلاب کردن کافی است، به این معنا که ماجرای تاریخی روایت کردن بس است. چون به اندازه کافی روایت شده و حالا ما باید به روح انقلاب بپردازیم که روح انقلاب امید است و زندگی شرافتمندانه و رشد. این کتاب در واقع روایت رشد انسان ایرانی است.

این کتاب یک راه است

او افزود: این روزها اگر اخبار را رصد کرده باشیم، وضعیت فرهنگی و اجتماعی را که نگاه کنید متوجه خواهید شد که امید مردم کم شده است. به عبارت دیگر اهالی فکر و فرهنگ در دو گروه مساوی یا نامساوی تقسیم شدند؛ یک عده رفتار کاملاً دن‌کیشوت‌وار دارند و می‌گویند همه چیز خوب است و یک عده رفتار تحقیرآمیز دارند و می‌گویند همه چیز بد است. در این وسط بهزاد دانشگر درصدد است تا به شما بگوید واقعیت را ببینید. اگر کار کنیم و درست زندگی کنیم، می‌توانیم یک چهره دیگری از انسان ایرانی ارائه دهیم. برای همین این کتاب را در نمی‌دانم بلکه یک راه است. به این معنا که راهی را در ادبیات انقلاب باز می‌کند که از تاریخ و اتفاقات قبل از سال ۵۷ عبور کنیم. این جمله مغز کتاب است. باید مسئولانه کار کنیم، این جمله مغز کتاب است. کار کنیم یعنی چه؟ در اینجا دوست دارم درنگی روی کار کنیم؟ در بسیاری از آناری که می‌خوانیم و جامعه خودمان را به عینه تجربه می‌کنیم حس مان این است آن دو گروهی که اشاره کردم، اصلی‌ترین مسئله‌شان این است که به زندگی نگاه درستی ندارند.

می‌کنم بسیاری از اتفاقاتی که باید در کتاب می‌افتاد، ثبت شد. این نویسنده اظهار کرد: تقریباً سه سال گرفتن مصاحبه، تدوین و بازنویسی کتاب طول کشید. میان مصاحبه‌ها فاصله افتاد، چون دیر به دیر بود و هم باید متن مصاحبه را می‌دید و پس از آن مصاحبه دیگر انجام می‌شد. گاهی شش ماه طول می‌کشید تا متن یک مصاحبه را بخواند و بعد راضی شود که برخی حرف‌ها را بزند.

کتاب، روایت کار در بستر امید است

ابراهیم دیزگاه در ادامه گفت: نخستین مسأله در اینجا، موضوع روایت است. همیشه در گوش ما از ابوسعید ابوالخیر می‌خوانند: «حکایت نویسی می‌باش یا چنان باش که از تو حکایت کنند.» من تصور می‌کنم این جمله به رغم این‌که جمله قابل تأملی است اما تضاد و تناقضی در آن وجود دارد به این معنا که اگر عبدالکریم حکایت نویسی نبود از ابوسعید ابوالخیر می‌پویند هم هیچ خبری نداشتیم؛ به نوعی موجودیت ابوسعید به روایت عبدالکریم حکایت نویسی برمی‌گردد.

او ادامه داد: در ماجرای پیشرفت، نقش راوی به همان میزانی که پیشرفت (یا هر موضوع دیگری که اهمیت دارد) مهم است. به نظر من نقش راوی هم مهم است و چه بسا مهم‌تر است. درباره کتاب تندتر از عقربه‌ها حرکت کن، فکر می‌کنم یک ماه بعد از انتشار یک نفر آن را به من هدیه داد. چون اسم جناب بهزاد دانشگر روی جلد کتاب بود و او دوست من است، کتاب را دستم گرفتم تا بخوانم و یک دفعه متوجه شدم که به پایان آن نزدیک شدم. چرا به خواندن

کتاب «تندتر از عقربه‌ها حرکت کن» روایت حرکت به سوی یک اتفاق بزرگ است. این کتاب با حضور ابراهیم اکبری دیزگاه (منتقد) و بهزاد دانشگر (مؤلف کتاب) نقد و بررسی شد. بهزاد دانشگر در این نشست گفت: یک روز با یکی از دوستانم به شرکت دانش بنیانی رفتم تا گفت‌وگویی با مدیرعامل آن داشته باشیم. حین گفت‌وگو متوجه شدم که شخص مدیرعامل نگاه‌های خاص و ویژه‌ای در عرصه مباحث اقتصادی، مدیریت و صنعتی دارد. نظیر این دیدگاه را کمتر شنیده بودم و این دیدگاه برایم جذاب شد و از او درخواست کردم که جلساتی بگذاریم و او از مسیری که پشت سر گذاشته، روایت کند. چون احساس کردم این مسیر برای خیلی از افراد می‌تواند الهام بخش و حرکت‌آفرین باشد.

مفید و موثر، برای جوان امروز

دانشگر افزود: مسیر او می‌توانست الهام‌بخش باشد، چون مسیر پرفراز و نشیبی را طی کرده بود و روایت چند و چون این مسیر می‌توانست برای جوان امروز مفید و مؤثر واقع شود. او با کمی دشواری پذیرفت که روایتش را بیان کند. چون فرد پرمشغله‌ای بود با کمی اکراه پذیرفت و نگران این بود که مباحث و حرف‌ها شکلی از ریاکاری پیدا کند. به هر حال به زحمت توانستم او را راضی کنم که بیان روایتش، خودشیفتگی نیست بلکه به تولید علم کمک می‌کند. خدا را شکر که از کتاب راضی است و خودم هم فکر



به همت مؤسسه بوستان کتاب

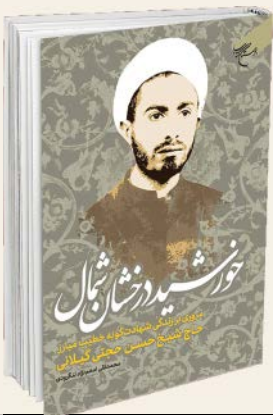
«خورشید درخشان شمال»

روانه بازار نشر شد

کتاب «خورشید درخشان شمال» (مروری بر زندگی شهادت‌گونه خطیر مبارز حاج شیخ حسن حجتی‌گیلانی) اثر محمدتقی ادهم نژاد لنگرودی در ۴۰۰ صفحه به همت مؤسسه بوستان کتاب به چاپ رسید. این کتاب برگرفته از عبارت پرمحتوای حک شده بر سنگ مزار مرحوم حجتی بود که امام موسی صدر برگزیده بود.

مؤلف در مقدمه این اثر آورده است: اوایل سال ۱۳۸۱ شمسی به درخواست برخی بزرگان مبنی بر تدوین شرح زندگانی و خدمات حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن حجتی‌گیلانی برای چاپ در مجموعه علمی ستارگان حرم پاسخ مثبت دادم. پیش از این و به دنبال سفر مقام معظم رهبری به قم در دهه ۷۰ و سفارش معظم‌له به تولیت وقت آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) برای تدوین زندگانی عالمان مدفون در حریم پاک قم، این کار توسط گروهی از فضلای اهل قلم آغاز شد و تاکنون ۳۷ شماره از این مجموعه با همه فراز و فرودها به بار نشست و به زینت چاپ آراسته شده است. عزت نفس، متانت، شجاعت، صراحت، لهجه، مبارزه با اربابان زور و تزویر، مناعت طبع، کمک به انسان‌های محروم و حمایت عالمان از مبانی واقعی دین و روحانیت متعهد از اوصاف بارز او بوده که از علمای راستین حوزه علمیه آموخته بود. این مرد خدا، خشم و خروش انقلابی داشت و سخنرانی‌ها و روشنگری‌های وی اساس بیداری مردم و زمینه‌ساز انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در گیلان شد.

عرق ملی و غیرت دینی او باعث خارج شدن آیت‌الله کاشانی (ره) از انزوای سیاسی شد. حملات بی‌امان او به دولتمردان وقت برای معضلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه و برچیده شدن کانون‌های فساد از مهم‌ترین اقدامات سیاسی - اجتماعی شخصیت بزرگ است. کتاب حاضر در هفت فصل جداگانه به تفکیک مطالب تدوین به سبک امروزی نگارش یافته است.



سند کمپانی و برگ سبز سیترون SX
زانتیا مدل ۸۳ به شماره موتور 00327670
شماره شاسی S1512283112630 شماره
انتظامی ۳۸ - ۴۱۴ ق ۳۲ به نام صادق زالی
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط
می‌باشد.

سند کمپانی خودرو فونیکس TIGGO 7 PRO
AT رنگ مشکی متالیک مدل ۱۴۰۲ به شماره
پلاک ایران ۱۲ - ۴۳۱ ص ۷۴ و شماره موتور
MVME4T15CBKR041899 و شماره شاسی
NATGBACJ2P1034682 به نام طاهره شنگر
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو پارس
XU7P رنگ سفید مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک
ایران ۵۰ - ۸۵۴ ۲۸ و شماره موتور 125K0128578
و شماره شاسی NAANA15E7PH564701 به نام
علی اصغر قاسم نژاد علیشاهی مفقود گردیده و
از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی موتورسیکلت باجاج پالس
رنگ مشکی مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک
ایران ۳۲۷ - ۸۶۵۸۹ و شماره موتور
JLZCFA81660 و شماره شاسی
N5P***200B9425785 مفقود گردیده و از
درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو پژو 206SD-TU5 رنگ سفید
مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ایران ۲۰ - ۲۵۴ ۸۲
و شماره موتور 1748B0037725 و شماره شاسی
NAAP41FE7J575955 به نام محمد رضائی نسب
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت پزشکی مدیکال هواپیمایی
کشوری اینجانب سعید مشهدی
رمضانی به شماره ملی ۰۰۵۶۸۲۲۹۶۰
مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.

خاتم تارا زرقام فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۵۳ صادره
از آبادان به شماره ملی ۱۸۱۷۴۸۲۵۱۳ اظهار می‌دارد
دانشنامه دائم پایان تحصیلات مقطع کارشناسی ایشان
به شماره ۱۷۴۴ / ف / ش مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۰۲ مفقود شده
است. از این رو به موجب این آگهی، دانشنامه مذکور
ابطال می‌گردد. از بابتده تقاضا می‌شود مدرک فوق را از
طریق پست به نشانی: اهواز، بلوار گلستان، دانشگاه شهید
چمران، ساختمان مرکزی، اداره خدمات آموزشی، کدپستی
۶۱۳۵۷۸۳۱۵۱ ارسال و یا در صورت امکان تحویل نماید.

برگ سبز موتور سیکلت کویر رنگ قرمز مدل
۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۴۷ - ۹۵۹۳۵ و
شماره موتور 125N3C*10K30147 و شماره شاسی
N3C***125K9009587 به نام علی اصغر قاسم
نژاد علیشاهی مفقود گردیده و از درجه اعتبار
ساقط می‌باشد.